

## **The Factual Possible World in Pahlavi Conditional Sentences: Past System**

**Roshanak Azari\***

### **Abstract**

Conditional sentences are recognized as one of the Universals of Language and have been studied according to the language typologies. This article reviews grammatical tenses applied in the formation of Pahlavi conditional sentences, derived from *Zand-ī Vohuman Yasn*, *Zātsparam*, and *Rivāyat-ī Pahlavi*. This descriptive-quantitative analysis intends to prove the tendency between the possible world of conditional sentences with their applied grammatical tenses. 13 conditional sentences were located in the two first mentioned books and were suitable for the verb structure study. 160 sentences out of the 250 conditional sentences in *Rivāyat-ī Pahlavi* were chosen for the statistical survey. 85% of the subordinated clauses had verbs from the present system and 15% from the past system. The semantical analysis showed that in the Pahlavi language if the grammatical tenses in both clauses were made on the past system, the possible world would be factual in most cases. This result accords with Baqayi and Naqzgoo-Kohan's research outcome (2019), which was based on Declerck and Reed's typology for New Persian conditional sentences. This study showed an abundant variety in the formation of conditional sentences aided by present and past tenses, nominal and, gerund forms. The Pahlavi unfulfilled

\* The Assistant Professor of Persian Language & Literature Department, Farhangian University, Mashhad, Iran. azariroshanak@gmail.com

Date received: 25/06/2022, Date of acceptance: 24/08/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

conditional past tense was observed in the formation of other complex sentences, with indicative moods.

**Keywords:** Pahlavi language, conditional sentences, possible world, grammatical tense, typology.



## جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی: دستگاه فعلی گذشته

روشنک آذری\*

### چکیده

جملات شرطی چهاردهمین مورد از جهانی‌های زبان و قابل ارزیابی در چارچوب‌های رده‌شناختی‌اند. هدف از این پژوهش توصیفی-کمی، بررسی جملات شرطی زبان پهلوی ساخته‌شده با افعال دستگاه گذشته و بررسی نوع جهان ممکن آن بر اساس زمان دستوری بند شرط است. پیکره پژوهش کتاب‌های زند بهمن یسن، گزیده‌های زادسپرم و روایت پهلوی بود. بررسی آماری بر کتاب روایت پهلوی با حدود ۲۵۰ جمله شرطی انجام شد و برای پیکره آماری، ۱۶۰ جمله مشخص گردید. براساس آمار بدست آمده از پیکره تحلیل، زمان دستوری بند شرط در ۸۵٪ موارد بر دستگاه حال و ۱۵٪ باقیمانده در دستگاه گذشته ساخته شده‌بود. تحلیل معنایی نشان داد در زبان پهلوی، اگر زمان دستوری در بند شرط و جواب شرط گذشته باشد، گرایش زیادی برای حقیقی بودن جهان ممکن آن جمله شرطی وجود دارد. این نتیجه با برآیند پژوهش بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) برای جملات شرطی

زبان فارسی معاصر، بر اساس رده‌شناسی دکلرک و رید، همخوانی داشت. در ساخت جملات شرطی پهلوی بر دستگاه گذشته، علاوه بر فعل ماضی شرطی نامحقق، ماضی ساده و ماضی نقلی، فعل غیرشخصی، جمله اسمیه و اسم مصدر کاربرد داشت. در این پژوهش کاربرد فعل ماضی شرطی نامحقق در ساختار چند جمله مرکب با وجه اخباری نیز مشاهده شد.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران، azariroshanak@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** زبان پهلوی، جملات شرطی، جهان ممکن، زمان دستوری، رده‌شناسی

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های رده‌شناسی زبان (Language typology) و بررسی جهانی‌های زبان (Universals of Language)، با تحلیل داده‌های توصیفی دقیق و قاعده‌مند از زبان‌های گوناگون حاصل گشته‌است (فرهنگی، ۱۳۹۳: ۷۶). جهانی‌های زبان در بردارنده مولفه‌هایی در زبان‌ها هستند که برای تمام زبان‌های ممکن و انواع آن، ضروری و ثابت است. این مولفه‌ها، قابل تعمیم به زبان‌هایی می‌شود که تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند یا جزو زبان‌های خاموش محسوب می‌شوند و یا حتی قابل تعمیم به زبان‌هایی است که هنوز وجود نیامده‌اند (زی‌موند Siemund، ۲۰۱۱: ۲). چهاردهمین مورد از جهانی‌های زبان که گرینبرگ بدان دست یافته، در مورد جملات شرطی است: «در همه زبان‌ها، برای جملات شرطی با جمله‌بندی عادی (normal order) عبارت شرط همیشه جلوتر از عبارت جواب شرط می‌آید.» (گرینبرگ Greenberg، ۱۹۶۳: ۶۶)

جملات شرطی همواره یکی از موضوعات حائز اهمیت در حوزه‌های معنی‌شناسی، کاربردشناسی و فلسفه زبان بوده و با رویکردهای مختلفی به آن پرداخته شده است. علاوه بر منظرهای غیرنحوی، بررسی این جملات از لحاظ ساختار نحوی در قالب نظریه‌های جدید نیز مورد توجه قرار گرفته‌است (کیبری، درزی، ۱۳۹۴: ۳۲). نحو جملات شرطی به وضوح با نحو دیگر جملات مرکبی که با «و» / «یا» به هم متصل می‌گردند، متفاوت است. ساختار جملات شرطی، شامل عبارات همپایه (coordinated clauses) با یکدیگر نیست؛ بلکه دارای عبارات پیرو-پایه (Subordinated-main clauses) است. بدین ترتیب جمله مقدم (پیرو) و نتیجه (پایه)، از نظر نحوی با یکدیگر برابر نیستند و جمله مقدم یک عبارت قیدی از نظر نحوی محسوب می‌گردد (شولز Schulz، ۲۰۱۵: ۸۰۶). از منظر معنایی نیز باید تفاوت معنای شرطی اخباری را با شرطی التزامی یا خلاف واقع (ضدحقیقی) (counterfactual) لحاظ کرد (همان، ۸۰۹).

در حالی که زمان دستوری و نمود دو مشخصه‌ای هستند که با مفهوم زمان مرتبط هستند، وجه فعلی که از مشخصه‌های تصریفی در بندهای زمان‌دار است، با پرداختن به بیان درجه قطعیت گزاره‌ها، نظر گوینده را نسبت به میزان قطعی، احتمالی، شرطی یا امری بودن

وقوع فعل بیان می‌کند. البته؛ سه ویژگی زمان دستوری، نمود و وجه را از نظر معنایی نمی‌توان کاملاً از هم جدا و مستقل دانست (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۲). بر اساس چارچوب نظری دکلرک و رید (۲۰۰۱) که یک چارچوب معنایی رده‌شناختی است، جمله‌های شرطی با توجه به جهان ممکن (Possible World) بند شرط، می‌توانند رده بندی شوند و در هر نوع، زمان دستوری افعال می‌تواند گذشته، حال و آینده باشد. منظور از جهان ممکن موقعیتی است که در آن اشیاء و رویدادها وجود دارند یا می‌توانند وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، جهان ممکن واقعی، موقعیتی است که اشیاء واقعاً در آن وجود دارند و جهان ممکن غیرواقعی، موقعیتی است که می‌تواند وجود داشته باشد (بقایی، نغزگوی کهن، ۱۳۹۷: ۵۶).

مقالات نوشته‌شده در مورد جملات شرطی زبان فارسی که از دیدگاه نحوی، معناشناسی یا شناختی بوده‌اند، در حیطه زبان فارسی نو و یا با مقایسه زبان‌های دیگر انجام شده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی گرایش زمان دستوری بخشی از جملات شرطی در زبان پهلوی در ارتباط با نوع جهان ممکن آنها و مقایسه با نتایج به دست آمده برای زبان فارسی نو بر اساس چارچوب نظری دکلرک و رید (Declerck & Reed) است. بدین ترتیب این پژوهش به دنبال نشان دادن ارتباط زمان دستوری افعال بند شرط و جواب شرط با نوع جهان ممکن جمله شرطی از نظر حقیقی (factual) یا نظری (theoretical/nonfactual) بودن آن، در زبان پهلوی است.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

در حیطه زبان پهلوی، جملات شرطی از نظر فعل دستوری و جایگاه بند پایه و پیرو در چند مقاله و کتاب به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: نیبرگ (Nyberg) (۱۹۷۴) در بخش تحلیل دستوری، نمونه‌هایی از جملات شرطی را در توضیح ساخت فعل شرطی نامحقق (unfulfilled) در زبان پارتی و پهلوی ذکر می‌کند (۲۸۳). مقاله «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی»، مثال‌هایی از جملات شرطی در دوره باستان، زبان فارسی باستان (۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱) و اوستایی (۲۵۳)؛ سپس در دوره میانه، زبان‌های میانه شرقی (۲۵۷) و میانه غربی، پارتی مانوی (اشکانی ترفانی) (۲۶۵)، (۲۶۷) و فارسی میانه مانوی (۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸) دارد. اگرچه تمرکز اصلی آن مقاله بر تحول وجه تمنایی است اما علاوه بر بررسی زمان دستوری فعل، در حیطه معنایی به نوع جملات

شرطی نیز پرداخته و از آن‌ها تحت عنوان مضارع نامحتمل، ماضی نامحتمل و ماضی نامحقق نام برده شده است (قریب، ۱۳۷۹). در کتاب «طرح اجمالی دستور زبان پهلوی»، بخش انواع فعل‌های مضارع و ماضی، چند جمله شرطی در مثال‌های دستگاه مضارع و ماضی آمده و بیان شده است که اگر فعل شرطی مبین امکان وقوع کاری (unreal) باشد، فعل مضارع اخباری بکار می‌رود. (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۹). بخشی از مقاله «فعل خواستاری: ساخت و کاربرد آن در فارسی میانه» مثال‌هایی از جملات شرطی و کاربرد فعل خواستاری در آنها دارد (آموزگار، ۱۳۸۶: ۱۳۱). در کتاب «دستور تاریخی زبان فارسی»، بخش نحو، سه جمله شرطی به زبان پهلوی (۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷) و یک جمله شرطی به زبان فارسی میانه ترفانی (۱۹۰) آمده است که مربوط به بررسی جای فعل در جمله است و ساخت شرطی محور سخن نیست. در فصل دوازدهم همین کتاب، جمله‌های پیرو شرطی، نوعی از جمله‌های مرکب معرفی شده‌اند و مثال‌هایی از فارسی میانه زردشتی و ترفانی و اشکانی ترفانی (۳۸۲، ۳۸۳) برای آن آورده شده است. در بررسی زمان دستوری بندهای شرط و جواب شرط، ذکر شده که اگر نوع شرطی انجام یافتنی باشد، فعل ممکن است التزامی یا اخباری بیاید و در جمله‌ای که شرطی ناممکن دارد، فعل بند شرط و جواب شرط خواستاری است؛ البته مثال‌ها فقط در دستگاه مضارع هستند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹). مقاله دیگری که در آن جملات شرطی زبان پهلوی مشاهده شد، یک ساخت ناشناخته فعل التزامی را در فارسی میانه بررسی می‌کرد (قائم‌مقامی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). تا جایی که نگارنده جستجو کرد، مقاله‌ای که صرفاً به ساخت، وجه و نوع جملات شرطی و زمان‌های دستوری بکار رفته در آن‌ها پرداخته باشد، یافت نشد.

گذشته از بررسی‌های انجام شده با رویکرد دستور سستی بر روی جملات شرطی زبان فارسی نو، در دهه اخیر مقالاتی با رویکردهای گوناگون و براساس نظریات جدید زبان‌شناسی برای بررسی جملات شرطی نگاشته شده‌اند. پهلوان‌نژاد و رسول‌پور (۱۳۹۱)، در بررسی انواع جملات مرکب در زبان فارسی بر پایه نظریه دستور نقش و ارجاع، جملات شرطی را نمونه‌ای از جمله مرکب با رابطه «ناهم‌پایگی جمله‌ای» برمی‌شمرند (۱۸). کبیری و درزی (۱۳۹۴) جایگاه نحوی بند شرطی را بررسی کرده‌اند. این تحلیل بر اساس تقسیم بندی هگمن (۲۰۰۳) بود که جملات شرطی را به دو دسته رویدادی و پیش‌زمینه‌ای تقسیم می‌کند (۴۳). ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵)، با رویکرد معنایی، رابطه سببی بین پایه و پیرو

شرطی (شرط و جواب شرط) را به انواع شرط تحقق یافته، تحقق پذیر و تحقق ناپذیر تقسیم بندی کرده اند (۹۸).

بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، به بررسی جملات شرطی زبان فارسی معاصر براساس رده شناسی دکلرک و رید پرداخته اند. آن‌ها نشان داده اند که ساخت جملات شرطی فارسی با رده شناسی مذکور مطابقت دارد و جهان ممکن نظری باز (open theoretical possible world)، بالاترین بسامد را دارد و جهان‌های ممکن خنثی (neutral)، بسته (closed)، حقیقی (factual)، غیرقطعی (tentative) و ضد حقیقی (counterfactual) به ترتیب بیشترین بسامد را بعد از جهان ممکن باز دارند. بالاتر بودن بسامد وقوع جهان ممکن باز از آنجا نشأت می‌گیرد که در این جهان ممکن، موقعیتی فرضی که احتمال وقوع دارد، در نظر گرفته می‌شود و قطعیتی درباره وقوع آن وجود ندارد و این تعبیر با کارکرد ساخت شرطی بیشترین تطابق را دارد (۵۹). بر اساس رده شناسی دکلرک و رید و بررسی زمان دستوری در بندهای شرط و سپس جواب شرط، به نتایجی در مورد نوع جهان ممکن جمله شرطی برای زبان فارسی معاصر دست یافته اند. تحلیل آماری آنان نشان داد که بین زمان دستوری افعال بندهای شرط و جواب شرط با نوع شرطی در زبان فارسی معاصر گرایش‌هایی وجود دارد. بر این اساس، در این زبان، گرایشی قوی برای باز بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جواب شرط آن‌ها غیرگذشته است. از طرف دیگر، گرایشی قوی نیز برای حقیقی بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جواب شرط آن‌ها گذشته است (همان، ۷۰). توضیح آن‌که چون زمان، موقعیتی را برای گوینده ایجاد می‌کند که مشخص کننده یا آغاز کننده نقطه مرجعی در زمان است، از نظر کروگر (۲۰۰۵) گروه بندی اصلی برای زمان‌های دستوری به دو بخش گذشته و غیرگذشته محدود می‌شود (همان، ۶۲).

### ۳. بیکره و روش کار

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-کمی است. بیکره انتخاب شده برای استخراج جملات شرطی در زبان پهلوی، سه کتاب گزیده‌های زادسپرم، زند بهمن یسن و روایت پهلوی بودند که زمان تالیف یا تدوین آن‌ها به یکدیگر نزدیک است. گزیده‌های زادسپرم، تالیف زادسپرم، پسر گشن جم است که در قرن‌های نهم و دهم میلادی می‌زیسته است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۵). نویسنده زند بهمن یسن ناشناس است و نسخه‌ای که اکنون از آن در دست است، به

احتمال قوی در سال ۱۰۹۹ میلادی تدوین شده است (راشدمحصل، ۱۳۷۰: هفت). گردآورنده و زمان تالیف روایت پهلوی معلوم نیست اما از مقایسه آن با کتاب‌های تالیف شده در قرن نهم و نیمه اول دهم میلادی و با در نظر گرفتن نشر صحیح و استوار کتاب، می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب در همین زمان گردآوری نهایی شده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۵۳-۱۵۴).

تعداد جملات شرطی یافت‌شده در کتاب گزیده‌های زادسپرم ۶ مورد و در کتاب زند بهمن یسن ۷ مورد بود. به همین خاطر پیکره آمارگیری به کتاب روایات پهلوی محدود شد. این کتاب که در بردارنده مطالب گوناگون دینی، آیینی، اجتماعی و اسطوره‌ای است، در بعضی فصول بر رعایت آیین‌های دینی و انجام دادن آن‌ها بر وفق سنت و دین می‌پردازد (میرفخرایی، ۱۳۶۷: هشت). همین امر موجب گردیده تا باید‌ها و نباید‌های دینی، در قالب جملات شرطی در اکثر بخش‌های کتاب وجود داشته باشد. تعداد جملات شرطی یافت‌شده حدود ۲۵۰ مورد، در کل کتاب (۶۵ فصل) با ۲۰۹ صفحه، بر اساس نسخه ده‌بار (Dhabhar) (۱۹۱۳) است.

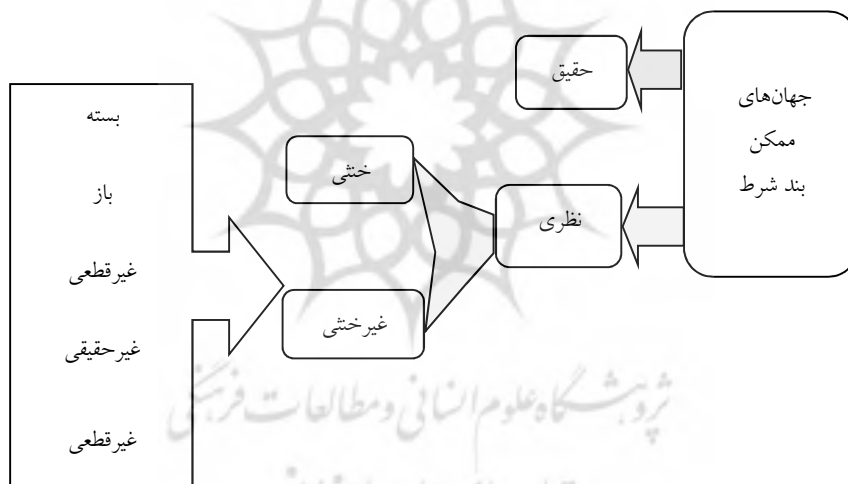
کتاب روایت پهلوی به ۴ قسمت ۵۲ صفحه‌ای تقسیم و از هر قسمت ۲۵ صفحه نخست آن برای تحلیل کمی انتخاب و جملات شرطی آن استخراج شد. تقسیم بندی، ابتدا بر اساس زمان دستوری در بند شرط انجام شد؛ سپس جملاتی که زمان دستوری بند شرط و جواب شرط آنها هر دو گذشته بود انتخاب و بر اساس نوع جهان ممکن حقیقی و نظری از نظر معنایی تقسیم بندی شدند. صورت کوتاه شده برای کتاب‌های روایت پهلوی، گزیده‌های زادسپرم و زند بهمن یسن، در مثال‌های این مقاله، به ترتیب RP، GZ، BY است و شماره کنار آن بیانگر صفحه در نسخه‌های متون پهلوی است. مرجع متن پهلوی و آوانویسی در این پژوهش برای گزیده‌های زادسپرم، به ترتیب نسخه‌های انکلساریا (Anklesaria) (۱۹۶۴) و چرتی (Cereti) (۱۹۹۵) بود. برای متن پهلوی و آوانویسی کتاب زند بهمن یسن از نسخه‌های انکلساریا (۱۹۵۷) و ژینو و تفضلی (Gignoux & Tafazzoli) (۱۹۹۳) استفاده شد. آوانویسی جملات روایت پهلوی از روی کتاب ویلیامز (Williams) (۱۹۹۰) انجام شد.



ترجمه فارسی نو روایت پهلوی بر اساس ترجمه میرفخرایی (۱۳۶۷)، گزیده‌های زادسپرم بر اساس ترجمه راشد محصل (۱۳۶۶) و زند بهمن‌یسن نیز بر اساس ترجمه راشد محصل (۱۳۷۰) است.

### ۱.۳ رده‌شناسی دکلرک و رید

دکلرک و رید (۲۰۰۱) برای انواع جهان‌های ممکن بند شرط نوعی رده‌شناسی مطرح کرده‌اند. براساس این رده‌شناسی، جهان ممکن بند شرط در وهله اول می‌تواند جهان حقیقی یا نظری باشد. اگر جهان ممکن نظری باشد، می‌تواند خنثی یا غیرخنثی (nonneutral) باشد. چنانچه جهان ممکن بند شرط از نوع غیر خنثی باشد، خود می‌تواند بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی باشد (۷۷-۷۸). شکل شماره یک تقسیم‌بندی جهان‌های ممکن جملات شرطی را بر اساس رده‌شناسی دکلرک و رید نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱- جهان‌های ممکن بند شرط بر اساس رده‌شناسی دکلرک و رید

برای هر یک از انواع جهان‌های ممکن بند شرط در زبان فارسی نو یک نمونه ارائه می‌شود:

- جهان ممکن حقیقی (factual): «اگر پژوهشی داشتم، همیشه به کتابخانه می‌رفتم».

- جهان ممکن نظری (theoretical/nonfactual) خنثی (neutral): «اگر خطر آفت برای محصولات وجود دارد، هر سال سمپاشی کنید»؛ «اگر آب بجوشد، تبدیل به بخار می‌شود».
- جهان ممکن نظری غیرخنثی (nonneutral) بسته (closed): «اگر بخواهم به اتوبوس عصر برسم، باید الان حرکت کنم».
- جهان ممکن نظری غیرخنثی باز (open): «اگر بیاید، با او صحبت می‌کنم».
- جهان ممکن نظری غیرخنثی غیرقطعی (tentative): «اگر دارو را می‌خورد، حالش بهتر می‌شد»؛ «اگر شهاب‌سنگی با آن اندازه به زمین می‌خورد، کل حیات نابود می‌شد».
- جهان ممکن نظری غیرخنثی ضدحقیقی (counterfactual): «اگر در آن کار مهارت داشت، الان دستگاه خراب نشده بود».

تقسیم بندی جهان نظری به انواع خنثی و غیرخنثی و زیرمجموعه‌های آن، نیازمند رویکرد معنایی دقیق است و مثال‌هایی که در اینجا آمده، به کمک مطابقت انواع جهان‌های ممکن در مثال‌های زبان انگلیسی با فارسی نو در بخش چهارم کتاب «جملات شرطی: یک تحلیل تجربی جامع» است (دکلرک Declerck، ۲۰۰۱: ۱۰۸-۶۵). یکی از مشکلات نمونه‌های زبان پهلوی این بود که تعداد قابل توجهی از جملات شرطی در پیکره مورد بررسی، بیش از یک بند شرط یا جواب شرط داشتند و حذف به قرینه لفظی در آن‌ها صورت گرفته بود. گاهی نیز در هر یک از بندهای شرط یا جواب شرط، وابسته‌هایی به صورت جمله ربطی توضیحی با تنوع زیادی در زمان‌های دستوری، وجود داشت و طول یک جمله شرطی را به چند خط می‌رساند. برای شمارش دقیق جملات نیاز بود که بعضی جملات بازسازی شوند و حذف در آن‌ها مشخص شود اما امکان آن در این مقاله نبود. به همین خاطر این جملات در شمارش، بر اساس روساخت، یک جمله شرطی محاسبه شدند.

نکته دیگر آن‌که بر اثر تغییرات صرفی و نحوی زبان فارسی از دوره میانه به نو، ترجمه فارسی نو بعضی از جملات شرطی به طور کامل قابل انطباق با معنای پهلوی آن نبود و یا امکان آن بود که جمله به گونه‌ای معنا شود که دیگر وجه شرطی نداشته باشد. به همین دلیل سعی شد تا جای ممکن حرف ربط وابسته‌ساز شرطی 'ka' یا معادل‌های آن در جمله

به عنوان ملاک صوری تشخیص جملات شرطی لحاظ گردد. در مواردی نیز حرف ربط وابسته ساز در جملات شرطی محذوف بود.

از آنجا که گاهی مرزبندی بین انواع جهان‌های نظری خنثی و غیرخنثی و زیرمجموعه‌های آن، یعنی جهان نظری بسته، باز، غیر قطعی و غیر حقیقی، در مثال‌های زبان پهلوی دشوار می‌گشت، به منظور محدود کردن دامنه خطا و اطمینان از تشخیص نوع جملات از نظر معنایی، تقسیم بندی به دو جهان حقیقی و نظری محدود گشت. در پایان، آن قسمت از نتایج به دست آمده از مقاله بقای و نغزگوی کهن برای جملات شرطی زبان فارسی معاصر، بر اساس رده‌شناسی دکلرک و رید، که در حیطه پژوهش این مقاله بود، با نتایج بدست آمده برای جملات زبان پهلوی مقایسه شد.

#### ۴. ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی

جمله شرطی در زبان پهلوی نوعی جمله مرکب است که همانند زبان فارسی نو، از نظر ساختاری، شامل یک جمله هسته (پایه) و حداقل یک جمله وابسته (پیرو) است. حرف ربط در جمله شرطی از انواع وابسته ساز است و در ابتدای جمله وابسته می‌آید (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۱۱۳ و ۱۱۶). این حرف ربط وابسته ساز، بیانگر شرط، احتمال و عدم قطعیت است و به همین دلیل جمله پیرو در این نوع جملات مرکب، جمله شرط و جمله پایه، جواب شرط نامیده می‌شود. در زبان پهلوی حرف ربط وابسته ساز در اکثر موارد 'agar' است. گاهی نیز 'ka' یا 'ku' به کار برده می‌شود که همگی بیانگر شک و تردید و به معنای «اگر» هستند (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۵). جملات شرطی در دو دستگاه حال و گذشته، با کمک انواع زمان‌های دستوری با وجوه خواستاری (تمنایی)، اخباری، التزامی و امر و همچنین با افعال غیرشخصی (impersonal)، اسم مصدر و جملات اسمیه ساخته می‌شوند. در ادامه به بررسی تنوع ساختاری جملات شرطی با زمان‌های دستوری گذشته در بند شرط، همراه با مثال، پرداخته می‌شود.

#### ۱.۴ زمان‌های دستوری زبان پهلوی در دستگاه گذشته

ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید، با وجه اخباری، بر اساس اینکه فعل اصلی نیاز به مفعول مستقیم دارد یا خیر؛ به دو شیوه متفاوت ساخته می‌شوند و ماده ماضی از صفت مفعولی فعل اصلی گرفته می‌شود (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۶). در زبان پهلوی، ماضی التزامی وجود ندارد. یکی از زمان‌های دستوری که در ساخت جملات شرطی کاربرد دارد، ترکیب ماده ماضی فعل اصلی است که پس از آن صیغه سوم شخص مفرد مضارع خواستاری فعل 'h-' یعنی 'hē' و گاهی نیز صیغه سوم شخص مفرد مضارع التزامی یعنی 'hād'، به عنوان فعل کمکی، می‌آید. این زمان دستوری، ماضی شرطی نامحقق (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۹) یا شرطی ناتمام (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۲۸۳) نامیده می‌شود.

1. 'xward hē' (RP.90), 'afsard hē' (RP.38), 'āmad hē' (RP.132), 'dānist hē' (RP.8&67)

فعل‌های ذکر شده در مثال‌های شماره ۱ و دیگر نمونه‌های کاربرد ماضی شرطی نامحقق در متون، فقط در جملات مرکب و اکثراً در جملات شرطی دیده می‌شوند. طی این پژوهش، چند نمونه جمله مرکب غیرشرطی نیز مشاهده شد که در آن‌ها فعل ماضی شرطی نامحقق به کار رفته است (ZY.۴۱؛ RP.۱۹؛ RP.۱۳۶).

2. 'framūd hād' (RP.136), 'būd hād' (RP.39).

مثال‌های شماره ۲، تنها مثال‌های یافت شده برای ساخت ماضی شرطی با فعل کمکی 'hād' در جملات مرکب شرطی کتاب‌های بررسی شده در این مقاله است.

#### ۲.۴ تنوع ساخت جملات شرطی با فعل‌های دستوری زمان گذشته

ترکیبات متنوعی در ساخت جملات شرطی با فعل‌های دستوری زمان گذشته وجود دارند که در مثال‌های بعدی می‌آید. در پایان هر گروه از مثال‌ها، توضیحات لازم ذکر می‌شود.

۱.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق، با فعل کمکی 'hē' در جمله‌های شرطی و

جواب شرط:

3. 'Āgar-it nē zad hē, mar ī Tūr Frangrasiyāb duzd ī hamāg ān [wardēnišn] būd hē, kē frašgird kardārīh ī weh.' (RP.148)

ترجمه مثال ۳: "چه اگر افراسیاب تورانی تبهکار را نکشته بودی، او دزد همه آن تغییر می‌بود که فرشگرد سازی نیک است." (جهان ممکن حقیقی)

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۱۹۷

4. 'ka dār ē tāg būd hē, hugartar būd hē.' (GZ.136).

ترجمه مثال ۴: "اگر (حتی) یک تکه چوب بودی، آسان‌تر بودی. (جهان ممکن نظری غیر خشتی)

5. 'agar-iš ān tis nē dād hē, o oy druwand Ahreman sūsōmandtar būd hē, ud dāmān ī man aziš garān wizend būd hē.' (RP.37)

ترجمه مثال ۵: "اگر آن چیز را نمی‌آفرید، برای اهریمن پلید سودمندتر می‌بود و برای آفریدگان من از آن گزند گران می‌بود." (جهان ممکن حقیقی)

6. '[ka] mardōm nē murd hē, zarmānīh rāy be ōzd abayist hē, ud hamāg mardōn ēk abāg did pad hamāg rōzgār koxšīšn ud kārzār kard hē.' (RP.38)

ترجمه مثال ۶: "[اگر] مردم به سبب پیری نمی‌مردند، پیر را کشتن بایستی و همه مردم به همه روزگار با یکدیگر ستیز و کارزار می‌کردند. (جهان ممکن حقیقی)

در مثال شماره پنج و شش، برای یک جمله شرطی، دو جواب شرط وجود دارد. حذف به قرینه لفظی جمله شرط و یا جمله جواب شرط، در بسیاری از جمله‌های شرطی زبان پهلوی مشاهده می‌شود. برای مشخص کردن تعداد دقیق جملات شرطی، باید جملات زیرساخت مشخص شوند.

۲.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق با فعل کمکی 'hē' یا 'hād' در جمله‌های

شرط و جواب شرط:

7. 'cē agar ātaxš ōh sōxt hē, be nē afsard hē, hamāg ēn gēhān ēdōn be ēstād hē, ā harw kas sōzišn bēm būd hād, az-iš garān anāgīh ud dušxwārīh būd hād.' (RP.38&39)

ترجمه مثال ۷: "چه اگر آتش همچنان می‌سوخت و نمی‌فسرد، آتش در همه جهان چنان می‌ایستاد، آنگاه هر کس را بیم سوزش بودی و از آن، بدی و دشواری گران بودی." (جهان ممکن حقیقی)

در مثال ۷، حذف به قرینه لفظی، هم در جمله شرط و هم در جواب شرط مشاهده می‌شود.

۳.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق و ماضی ساده، در جمله شرط و جواب

شرط:

8. 'be ham rāhīhā be ō wahišt ī bāmīg šud hem, agar-it nimūd būd hē āštīh az xwēš menišn.' (GZ.160)

ترجمه مثال ۸: "اگر آشتی از اندیشه خویش را نموده بودی، به همراهی یکدیگر به بهشت درخشان می‌رفتیم." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

9. 'ka-šān ag-dēn be kard, pas hamāg wināh..., čiyon ka-š pad dast ī xwēš kard hē.' (RP.100)

ترجمه مثال ۹: "اگر به وسیله ایشان بد دین کرده شد (اگر او را بددین کردند)، همه گناهی را که ... چنان باشد که به دست خویش کرده باشد." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

در مثال شماره ۸، تقدم جمله جواب شرط بر جمله شرط مشاهده می‌شود.

۴.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و جمله اسمیه در جمله شرط و جواب شرط:

10. 'ud ka-šān gyān be ō kīrrēnišn ēstād, ud az gētīg an-ummēd būd hēnd, ā-šān pas ahlāyih ī ruwān az harw tis kāmāgtar.' (RP.39)

ترجمه مثال ۱۰: "اگر ایشان را جان (از تن) جدایی ایستاد و از گیتی ناامید شدند، پس ایشان را رستگاری روان از هر چه به کام‌تر است." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)  
در مثال شماره ۱۰، دو بند شرط برای یک بند جواب شرط وجود دارد.

۵.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و اسم مصدر در جمله شرط و جواب شرط:

11. 'ē ka dast-graw kard, pad yazīšn ī yazdān kunišn.' (RP.188)

ترجمه مثال ۱۱: "اگر (حیوان) اسیر شد، باید آن را برای یزش ایزدان کشت." (جهان ممکن نظری خشتی)

۶.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و فعل غیرشخصی در جمله شرط و جواب

شرط:

12. 'ud ka pahrēz ō astawān dād, harw gāh ud gāhānbār zōhr ī pāk be tūwān dād.' (RP.65)

ترجمه مثال ۱۲: "اگر مراقبت آن را به مومن داد، می‌تواند هر گاه و گاهانبار، زوهر پاک دهد." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

۷.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده در هر دو جمله شرط و جواب شرط:

13. 'ka-š daštān māh wizard, ā-š harw bār-ē sē sad kirbag būd.' (RP.125)

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۱۹۹

ترجمه مثال ۱۳: "اگر دشتان ماهش به پایان رسید، پس هر باری ۳۰۰ ثواب است." (جهان ممکن نظری خشتی)

۸.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و مضارع اخباری در جمله شرط و جواب شرط:

14. 'u-š [ka] widard mērag, az xwāstag ī mērag ā-š tis-iz bahr nē bawēd.' (RP.108)  
ترجمه مثال ۱۴: "[اگر] شوهر او مرد، پس او را از خواسته شوهر هیچ بهری نباشد." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

15. 'ka-š petūtīg kard, be o dušōx nē šawēd.' (RP.41)  
ترجمه مثال ۱۵: "اگر توبه کرد، به دوزخ نرود." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)  
حذف حرف ربط وابسته ساز شرطی در مثال ۱۴ مشاهده می‌شود.

۹.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و جمله اسمیه در جمله شرط و جواب شرط:

16. 'mardōmān ka-šān kustīg wišād ud pērāhan ī ew-tāg paymōxt ēstēd, fradōm gām be nihēnd, framān-ē wināh.' (RP.35)  
ترجمه مثال ۱۶: "اگر مردمان کستی گشاده و پیراهن یک‌لا پوشیده باشند، نخستین گامی که بنهند، یک فرمان گناه." (جهان ممکن نظری خشتی)

۱۰.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و اسم مصدر در جمله شرط و جواب شرط:

17. 'ud ka ō aētqm ā yātum <a>nahe jasaiti mad, u-š xwaršēd nē yašt ēstēd, ā-š ul ō pāy ēstīšn, ..., u-š ašəm vohū be gōwišn.' (RP.182)  
ترجمه مثال ۱۷: "اگر به «او را همان پادافراه است که جادوگری راست» رسد و خورشید را یشت نکرده باشد، پس باید بر پا ایستد و .... «اشم وهو» بگوید." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

۱۱.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و فعل غیرشخصی در جمله شرط و جواب شرط:

18. 'ka-š margarzān was kard ēstēd, ruwān was sar brīd šāyēd.' (RP.42)  
ترجمه مثال ۱۸: "اگر گناه مرگ‌ارزان بسیار کرده باشد، می‌توان سر روان را بسیار بار برید." (جهان ممکن نظری غیرخشتی)

19. 'ē ka-z yašt nē sāxt ēxtēd, pad drōn nē pādixšāy kuštan.' (RP.188)

ترجمه مثال ۱۹: "حتی اگر برای یستن آماده نشده است، جایز نیست [حیوان] دیگری برای [مراسم] درون کشت." (جهان ممکن نظری خشتی)

#### ۱۲.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و مضارع اخباری در جمله شرط و جواب

شرط:

20. 'ka-š čahār sāl pad zanīh dārēd, u-š yašt kard ēstēd, ā-š ruwān āškārag be garōdmān šawēd.' (RP.19)

ترجمه مثال ۲۰: "اگر چهار سال به زنی دارد و یشت کرده باشد، پس آشکارا روانش به گرودمان رود." (جهان ممکن نظری خشتی)

در مثال ۲۰، دو بند شرط برای یک بند جواب شرط مشاهده می‌شود.

#### ۳.۴ تحلیل آماری جملات شرطی در پیکره

همان‌طور که در بیان دشواری‌های پژوهش آمد، بعضی از جملات شرطی شامل یک بند پایه و دو یا چندین بند پیرو و یا بالعکس بودند و حذف بند شرط یا بند جواب شرط به قرینه لفظی در موارد زیادی مشاهده شد (مثال‌های شماره ۵، ۶، ۱۰، ۲۰). در شمارش، این جملات شرطی بر اساس روساخت یک جمله محسوب شدند. در جدول شماره ۲ تعداد کل جملات شرطی یافت شده در پیکره مورد بررسی و تفکیک زمان دستوری فعل بند شرط، به گذشته و غیرگذشته آمده است.

جدول شماره ۲- تعداد کل جملات شرطی یافت شده در پیکره آماری و تحلیل زمان دستوری بند

شرط

گروه	شماره صفحات متن پهلوی	تعداد جملات شرطی یافت شده	درصد فراوانی در متن کتاب	
			گذشته	زمان دستوری بند شرط بر اساس تعداد جملات
۱	۲۵-۱	۲۸	۱۷٪	۵
۲	۷۷-۵۳	۳۴	۲۱٪	۱۰



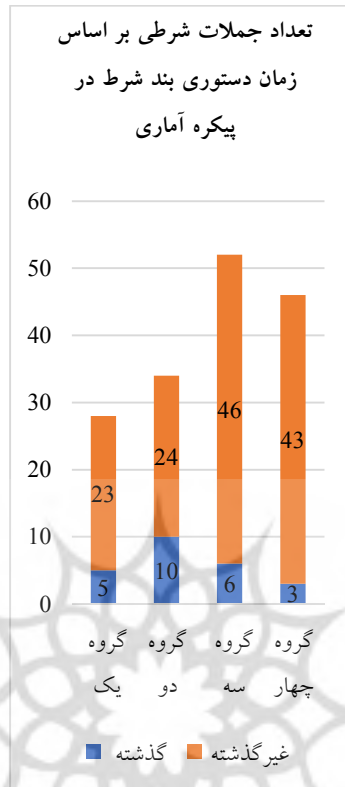
جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۲۰۱

۴۶	۶	۳۳٪	۵۲	۱۲۹-۱۰۵	۳
۴۳	۳	۲۹٪	۴۶	۱۸۱-۱۵۷	۴
۱۳۶	۲۴		۱۶۰ جمله	۱۰۰ صفحه	جمع

نمودار و جدول شماره ۳ - تفکیک زمان دستوری گذشته و غیرگذشته در بند جواب شرط

زمان دستوری در بند جواب شرط		بند شرط با زمان دستوری گذشته	گروه
غیر گذشته	گذشته		
۴	۱	۵	۱
۳	۷	۱۰	۲
۵	۱	۶	۳
۳	-	۳	۴
۱۵	۹		جمع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



در نمودار شماره ۳ با تفکیک تعداد کل جملات شرطی بر اساس زمان دستوری بند شرط، مشخص شد که ۱۵٪ جملات شرطی با زمان دستوری گذشته و ۸۵٪ جملات شرطی با زمان دستوری غیر گذشته در بند شرط ساخته شده‌اند. فعل‌های غیرشخصی، جملات اسمیه یا اسم‌های مصدر که در ساخت بند جواب شرط و یا در موارد معدودی، در ساخت بند شرط دیده می‌شوند، جزو افعال غیر گذشته محسوب شده‌اند. در جدول شماره ۳، تعداد جملات شرطی که بند شرط آن‌ها گذشته است، بر اساس زمان دستوری گذشته یا غیر گذشته در بند جواب شرط، تفکیک می‌شوند.

با توجه به جدول شماره ۳، در پیکره مورد بررسی، ۹ جمله شرطی یافت شده که بند شرط و بند جواب شرط آن‌ها هر دو گذشته بوده است. این جملات بر اساس نوع جهان ممکن در حیطه معنایی بررسی و تقسیم‌بندی آن‌ها به جهان ممکن حقیقی و نظری انجام گردید. این ۹ جمله در صفحات ۱۰، ۵۷، ۶۷، ۶۹ (دو جمله)، ۷۱، ۷۳، ۷۴ و ۱۲۵ پیکره بودند. که شرح آن در زیر می‌آید:

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۲۰۳

- *če ka mardōmān ān tis be wardēnīd, ā-šān be nē wardēnīd hē, ēdōn čiyōn Mahliyā ud Mahliyānē ..., hamāg mardōm paywand ud tōhmag ī xwēš dānist hē, hagriz brād ōy ī brād... be nē hišt hē.* (RP.10)

- ترجمه: چه اگر مردمان آن کاری را که گرداننده بودند، نگردانده بودند، همچنان که... همه مردم پیوند و تخمه خویش می‌دانستند و هرگز برادر، برادر و خواهر، خواهر را از دوستی رها نمی‌کرد (ر.پ. ۱۰).

- *če hagriz zīndag andar gēhān nē mānd hē, nē kē padēx ud tuwāngar ud nē kē pad sūd sūd-xwāstār, ka-m ātaxš ī wahrām nē dād hē.* (RP.57)

- ترجمه: هرگز موجود زنده در جهان نماندی، نه توانگر کامیاب و نه کسی که برای سود خواستار سود باشد، اگر آتش بهرام را نیافریده بودم (ر.پ. ۵۷).

- *agar-im ān az nē ōzad hē, ā-š hamāg dām ī tō be abesīhēnīd hē ud tō hagriz čārag ī Ahreman nē dānist hē.* (RP.67)

- ترجمه: اگر آن ازدها را نکشته بودم، پس همه آفرینش تو را نابود کرده بود و تو هرگز چاره اهریمن را ندانسته بودی (ر.پ. ۶۷).

- *agar-im be nē ōzad hē, Ahreman abar dām ī tō pādixša būd hē.* (RP. 69/1, 71)  
- ترجمه: اگر او را نکشته بودم، اهریمن بر آفرینش تو پادشاه شده بود (ر.پ. ۶۹/۱).  
این جمله در صفحه ۷۱ عیناً تکرار شده است.

- *ud agar-im awēšān ōbastān rāhdār nē ōzad hēnd, Ahreman abar dām ī tō pādixša būd hē.* (RP.69/2)

- ترجمه: اگر من آن راهزنان را نکشته بودم، اهریمن بر آفرینش تو پادشاه شده بود (ر.پ. ۶۹/۲).

- *ka Kersāsp pad tanōmand ud gyānōmand nē būd hē, tis-iz ī dām ī tō pad gētīg estišn nē būd hē.* (RP.73)

- ترجمه: اگر گرشاسب تنومند و جانمند نبودی، هیچ آفریده تو را به گیتی هستی نبودی (ر.پ. ۷۳).

- *če ka Kersāsp nē būd hē, u-š ēn and kār nē kard hē, ī guft ēstēd, nē tō ud nē ēč dām ī man estišn nē būd hē.* (RP.74)

- ترجمه: زیرا اگر گرشاسب نبودی و این چند کار که گفته شد نکرده بودی، تو و هیچ یک از آفریدگان مرا هستی نبودی (ر.پ. ۷۴).

- *ka-š daštān māh wizard, ā-š harw bār-ē sē sad kirbag būd.* (RP.125)  
- ترجمه: اگر دشتان ماهش به پایان رسید، پس هر باری سیصد ثواب است (ر.پ. ۱۲۵).

به جز جمله صفحه ۱۲۵ (ماضی ساده در بند شرط و جواب شرط) و جمله نخست صفحه ۶۹ (ارگاتیو در بند شرط + ماضی شرطی نامحقق در جواب شرط)، در ساخت بقیه جملات، در هر دو بند شرط و جواب شرط، فعل ماضی نامحقق استفاده شده است. جهان ممکن جمله شرطی در ۸ مورد نخست حقیقی و در جمله صفحه ۱۲۵، نظری تشخیص داده شد. جهان ممکن نظری در جمله صفحه ۱۲۵ از نوع ختی است.

## ۵. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر این فرضیه تایید می‌شود که رده‌شناسی معنایی دکلرک و رید در تشخیص جهان ممکن جملات شرطی، علاوه بر زبان فارسی نو قابل تعمیم به زبان پهلوی نیز هست. در زبان پهلوی، همانند زبان فارسی نو، گرایش بالایی برای حقیقی بودن جهان ممکن شرطی‌هایی وجود دارد که زمان دستوری بند شرط و جواب شرط آن‌ها در دستگاه گذشته است.

بررسی نشان داد تعداد جملات شرطی در کتاب روایت پهلوی، ساخته شده با زمان دستوری در دستگاه حال، برای بند شرط، ۸۵٪ و با زمان دستوری در دستگاه گذشته برای بند شرط، ۱۵٪ از پیکره را دربرمی‌گیرد که شامل ۲۴ جمله است. از این تعداد جملات، جهان ممکن ۹ مورد که زمان دستوری هر دو بند شرط و جواب شرط آن‌ها گذشته بود بررسی شد. جهان ممکن ۸ جمله حقیقی و تنها یک مورد نظری ختی بود.

کاربرد زمان‌های دستوری در دستگاه گذشته برای ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی از تنوع زیادی برخوردار است و ماضی شرطی نامحقق، ماضی ساده و ماضی نقلی در بندهای شرط و جواب شرط بکار می‌روند. گاهی اوقات در بند جواب شرط، فعل‌های غیرشخصی، اسم مصدر و جمله اسمیه نیز استفاده می‌شود.

در زبان پهلوی، برای ساخت ماضی شرطی نامحقق، از فعل کمکی 'hē' استفاده می‌شود اما در مواردی 'hād' به عنوان فعل کمکی جایگزین کاربرد دارد. ماضی شرطی نامحقق همیشه در جملات مرکب و عمدتاً در جمله مرکب با وجه شرطی استفاده می‌شود؛ البته کاربرد ماضی شرطی نامحقق در چند جمله مرکب با وجه اخباری نیز در متون مورد تحلیل مشاهده شد (BY.41; RP.19&136).

## کتابنامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). «فعل خواستاری: ساخت و کاربرد آن در فارسی میانه». *زبان، فرهنگ و اسطوره* (مجموعه مقالات). تهران: معین.
- آموزگار، ژاله، احمد تفضلی (۱۳۸۲). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات معین.
- ابن‌الرسول، محمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی و مه‌ری کاظمی (۱۳۹۵). «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی». *ادب فارسی*. س ۶. ش ۱. ص ۹۳-۱۱۲.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). *دستور تاریخی زبان فارسی*. چاپ هشتم. تهران: سمت.
- اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۹). «امری آینده، ساختی نادر در زبان‌های ایرانی». *زبان‌شناخت*. س ۱۱. ش ۱. ص ۱-۲۱.
- بقایی، عاطفه، مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۷). «زمان دستوری جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. س ۳. ش ۶. ص ۵۵-۷۱.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، حسین رسول‌پور (۱۳۹۱). «جملات مرکب در زبان فارسی، تحلیلی بر پایه نظریه دستور نقش و ارجاع». *زبان‌شناخت*. س ۳. ش ۱. ص ۱-۲۵.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادسپرم*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۷۰). *زند بهمن‌یسن*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فرهنگی، سهیلا (۱۳۹۳). «نقد دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی». *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. س ۱۴. ش ۱. ص ۷۵-۸۸.
- قائم‌مقامی، احمدرضا (۱۳۹۵). «یک ساخت ناشناخته فعل التزامی در فارسی میانه». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. س ۶. ش ۱. ص ۱۲۵-۱۳۶.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۹). «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی». *یادنامه دکتر احمد تفضلی*. ص ۲۴۵-۲۷۸.
- کیبیری، رویا، علی درزی (۱۳۹۴). «جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۷. ش ۱. ص ۳۱-۴۸.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمه میرفخرایی، مهشید. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

وحیدیان کامیار، تقی، غلامرضا عمرانی (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی (۱). چاپ هشتم. تهران: سمت.

- Anklesaria, B. T. (1957). *Zand ī Vohūman Yasn*. Bombay: Messrs. K. L. Bhargava.
- Anklesaria, B. T. (1964). *Zatsparam*. Bombay: Godrej Memorial Printing Press.
- Cereti, G. C. (1995). *The Zand ī Vohūman Yasn*. Roma: Istituto Italiano per il medio ed estremo oriente.
- Dhabhar, E. B. (1913). *The Pahlavi Rivāyat*. Bombay: The fort Printing Press.
- Declerck R. & S. Reed. (2001). *Conditionals: A Comprehensive Empirical Analysis*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter. Online pdf.  
[https://www.researchgate.net/publication/257635379\\_Conditionals\\_a\\_Comprehensive\\_Empirical\\_Analysis](https://www.researchgate.net/publication/257635379_Conditionals_a_Comprehensive_Empirical_Analysis) Retrieved on 2 May 2020.
- Gignoux, Ph. Tafazzoli, A. (1993). *Anthologie de Zādsparam*. Paris: Association pour l'avancement des études Iraniennes.
- Greenberg, J. (1963). *Universals of Language*. London: MIT Press.
- Nyberg, H. S. (1974). *A Manual of Pahlavi*. 1<sup>st</sup> Volume. Wiesbaden: Hubert & Co.
- Schulz, K. (2015). "Conditionals from a Linguistic Point of View: Two Case Studies". *J Philos Logic* 44, 805–816 (2015). <https://doi.org/10.1007/s10992-015-9361-y>. Retrieved on 10 August 2020.
- Siemund, Peter. (2011). *Linguistic Universals and Language Variation*.  
[https://www.researchgate.net/publication/278409158\\_Linguistic\\_Universals\\_and\\_Language\\_Variation/citation/download](https://www.researchgate.net/publication/278409158_Linguistic_Universals_and_Language_Variation/citation/download). Retrieved on 10 June 2020.
- Williams, A. (1990). *The Pahlavi Rivāyat, Accompanying the Dādestān ī Dēnīg*. Copenhagen: The Royal Danish Academy of Sciences and letters.